



## نظم شکنی نظم زمان ، در شعر

■ علی ساهمی

قواعد ترکیبی واژگان را در زبان از میان می‌برند همچون ترکیب واج‌ها که معنایی نسازند

نظم‌شکنی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را نامتعارف می‌کند؛ بدین ترتیب که بر حسب قیاس و گریز از قواعد ساخت واژه زبان معیار، واژه‌ای جدید می‌آفریند و به کار می‌بندد.

شعر خونبار من ای دوست بدان یار رسان (حافظ)  
گویشم شنید قصه ایمان و مست شد (مولوی)  
یکی از دغدغه‌های اغلب شاعران آفرینش زبانی به یادماندنی و تلاش برای خارج شدن از قید و بندهای سنتی زبان است و همین انگیزه، تا حدودی به زبان طراوت و تازگی می‌بخشد. شکل‌گرایان زبان ادبی را مجموعه انحرافات نسبت به قواعد حاکم بر زبان عادی و روزمره می‌دانند. آنها ادبیات را نوع خاصی از زبان می‌دانند که با زبان متداولی که به کار می‌بریم در تقابل است به عبارت دیگر آنها از میدان دو فرایند زبان خودکار و روزمره (automatisation) و برجسته‌سازی (Foregrounding) فرایند دوم را عامل به وجود آمدن زبان ادب می‌دانند. دکتر شمیسا در کلیات سبک‌شناسی خود می‌نویسد: >اصل، اصطلاح فورگراندینگ، از مکتب زبان‌شناسی پراگ است... فورگراندینگ تشخیص و برجستگی و بیرون آمدگی و تظاهر و نمود زبانی در این الگوی متعارف است<1

>ج.ن. لیچ< پس از طرح فرایند برجسته‌سازی به دو گونه از این فرایند توجه نشان داده است. >نخست آنکه نسبت به قواعد حاکم بر زبان خودکار انحراف صورت پذیرد. دوم آنکه قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان خودکار افزوده شود<2  
دکتر شفیعی کدکنی نیز هنگام بحث درباره راه‌های شناخته شده تمایز زبان، به دو گروه موسیقایی و گروه زبان‌شناسی معتقد است. وی گروه موسیقایی را مجموعه عواملی می‌داند که زبان شعر را از زبان روزمره، به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن، امتیاز می‌بخشند و در حقیقت از رهگذر نظام موسیقایی سبب رستخیز کلمه‌ها و تشخیص واژه‌ها در زبان می‌شوند<3

نظم‌شکنی و انحراف از قواعد حاکم بر زبان هنجار باید آگاهانه و جهت‌مند باشد زیرا بعضی از این نظم‌شکنی‌ها هنگامیکه به ساختی غیردستوری منجر شود خلاقیت هنری به شمار نخواهد رفت، بنابراین نظم‌شکنی می‌تواند تنها تا بدان حد پیش رود، که ایجاد ارتباط مختل نشود و نظم‌شکنی قابل تعبیر باشد.

البته دکتر شفیعی کدکنی بر این نکته تأکید دارد که در نظم‌شکنی می‌باید اصل رسانگی مراعات شود و در این مورد نمونه می‌آورد:

الف -- يك لحظه چشم‌های تو را خواهم دید.

ب -- يك شادی چشم‌های تو را خواهم نوشید.4

دکتر شفیعی معتقد است که در جمله <ب> اصل رسانگی رعایت نشده است و به همین دلیل، سبب ابهام و گنگی در انتقال حس شاعر به خواننده می‌شود.

پیام‌های بسیاری وجود دارند که قواعد نحوی یا کلامی، یعنی قواعد ترکیبی واژگان را در زبان از میان می‌برند همچون ترکیب واج‌ها که معنایی نسازند؛ یا ترکیب واژگان بیرون از قاعده‌های دستوری و نحوی زبان، چنانکه از دیدگاه معنا شناسیک مبهم یا یکسر بی‌معنا باشد، همچون مثال مشهور جامسکی <عقاید بی‌رنگ سبز خشمگین خوابیده‌اند>

گاه ممکن است شاعر، واژه‌ای را از يك سطح یا حوزه زبانی وارد شعری کند که اکثر واژه‌های آن متعلق به سطح یا حوزه‌ای

متفاوت است چنانچه او این کار را بدون مهارت لازم انجام دهد، نتیجه کار چیزی ناچور و نامتجانس خواهد بود؛ در حالی که اگر این عمل ماهرانه انجام شود نتیجه ایجاد شگفتی و

ارائه معانی بیشتر به خواننده است.5

در این وجیزه به اختصار به عمده‌ترین عوامل نظم‌شکنی نظم زبان در شعر می‌پردازیم.

### 1-- نظم‌شکنی نحو زبان:

که شاعر توالی عناصر اصلی جمله را به هم می‌ریزد، به عبارتی جای نهاد و مفعول و فعل نامشخص است گاهی ممکن است فعل که جای اصلی‌اش همیشه در آخر جمله است، به اول جمله بیاید و شاعر با این کار تأکید بیشتری بر خبر جمله دارد.

فردوسی از جمله شاعرانی است که از این ابزار نحوی استفاده زیادی کرده یعنی توالی عادی فاعل، مفعول، فعل را رعایت نکرده است.

برد کشتی آنجا که خواهد خدا

فعل مفعول

فاعل

بسیاری از ابیات مشهور شاهنامه نیز که ورد زبان مردم هستند با فعل شروع می‌شوند

پی‌افکندم از نظم کاخی بلند

که از باد و باران نیاید گزند

نمیرم از این پس که من زنده‌ام

که تخم سخن را پراکنده‌ام

یا در این بیت:

سوران ترکان تنی هفت هشت

بر آن دشت نخجیر گه برگذشت

بین صفت و موصوف مطابقه آورده است (سوران ترکان) معدود را بر عدد مقدم داشته است

(تنی هفت هشت)، برای فاعل جمع فعل مفرد آورده است (برگذشت).

### 2-- نظم‌شکنی آوایی

در این نظم‌شکنی شاعر نظم آوایی واژگان را به هم می‌ریزد و با حرکتی غیرمتعارف در زبان، جملات را برجسته می‌کند، در شعر سنتی نمونه‌های فراوانی از نظم‌شکنی آوایی وجود دارد که اغلب به ضرورت وزن شعر اتفاق افتاده است.

به تیر غمزه، مژگانن انوری را

بکشتند و بر این شهری گواه است 6

ای سنایی! بی‌کله شو، گرت باید سروری

زانک نزد بخردان تا با کلاهی بی‌سری

ورنه در ره سرفرازاند کز تیغ اجل

هم کلاه از سرت برابند هم سربرسری 7

### 3-- نظم‌شکنی سبکی

هرگاه شاعر از لایه اصلی شعر که گونه نوشتاری معیار است گریز بزند و از واژگان یا

ساخته‌های نحوی گفتار استفاده کند به آن نظم‌شکنی سبکی گویند.

مثلاً شاملو در شعر زیر با استفاده از جملات عامیانه و زبان گفتاری، نظم عادی زبان معیار را

شکسته است. جملات عامیانه باعث ایجاد تعجب و شگفتی و خلاف انتظار برای مخاطب

می‌شود.

> با سمضریه رقصان اسپش می‌گذرد 0 از کوچه سرپوشیده سواری 0 بر تسمه‌بند قرابینش 0

برق هر سکه -- ستاره‌ئی -- بالا خرمنی 0 در شب بی‌نسیم 0 در شب ایلپاتی عشقی. چار

سوار از تنگ در اومد، چار تنگ بر دوش شون 0 دختر از مهتابی نظاره می‌کند 0 و از عبور سوار

خاطره‌ای 0 همچون داغ خاموش زخمی 0 چار تا مادیون پشت مسجد چار جنازه پشت شون 8

### 4-- نظم‌شکنی واژگان:

این گونه نظم‌شکنی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را نامتعارف

می‌کند؛ بدین ترتیب که بر حسب قیاس و گریز از قواعد ساخت واژه زبان معیار، واژه‌ای جدید

می‌آفریند و به کار می‌بندد. این نوع نظم‌شکنی، بر شکوه، طنطنه، شگفتی و تأثیر شعر

می‌افزاید و باعث غنای زبان می‌شود.

...و همچنان با رودهای دنیا می‌گشتم

از رود ساران <آمازون>

تا درختزاران <خلخال> 9

با آنکه شب شهر را دیرگاهی است

با ابرها و نفس دودهایش

تاریک و سرد و مه‌آلود کرده است 10

به کارگیری واژه‌های چون <رودسار> <درختزار> و <نفسدود> که در زبان عادی به کار

نمی‌رود نشانه نظم‌شکنی واژگانی است

### 5-- نظم‌شکنی زمانی:

یکی از راههای شکستن نظم عادی زبان، استفاده از واژگان کهنه و قدیمی که در زبان روزمره و عادی به کار نمی‌رود. شاعر می‌تواند از گونه زمانی زبان معیار بگریزد و صورتهای را به کار برد که پیشتر در زبان متداول بوده‌اند و امروز دیگر واژگان یا ساختههای نحوی مرده‌اند. این دسته از نظم‌شکنی‌ها را باستانگرایی نیز می‌نامند.

غبار آلوده از جهان  
تصویری بازگونه در آینه بی‌قرار  
<شاملو>

آبگینه به جای آینه و <بازگونه> به جای وارونه نوعی باستانگرایی است و ایشان را... / جز باد هیچ به کف اندر نبود> به لحاظ حروف اضافه قبل و بعد اسم (به... اندر) نوعی خروج از نحو زبان روزمره صورت گرفته است که باعث تشخیص و برجستگی جمله شده است. در میان شاعران معاصر شاملو و اخوان ثالث از این شگرد بسیار استفاده کرده‌اند.

#### نظم‌شکنی معنایی:

شاعر بر اساس قواعد معنایی حاکم بر زبان، واژگان را از هم‌نشین شدن با واژگان هم‌خانواده خود دور می‌سازد و نظم‌خانوادگی واژگان شکسته می‌شود. یعنی کلمه را از خانواده خود جدا می‌کند و در کنار خانواده دیگری قرار می‌دهد. واژه به مناسبت هم‌نشینی با واژگان دیگر معنا یا معانی متعدد می‌یابد.

امشب ساقه معنی را

وزش دوست تکان خواهد داد 11

در اینجا واژه‌ی <معنی> و <دوست> در معنی لغوی خود به کار رفته است درواقع نظم‌شکنی معنایی؛ به‌کارگیری زبان است، گونه‌ای که شیوه بیان جلب‌نظر کند. و در مقابل فرایند زبان عادی و روزمره غیرمتعارف باشد. البته معنای يك واژه شاعرانه شدیداً مقید به متن است تابعی از سازمان‌بندی درونی الفاظ به عبارت دیگر واحدهای مفرد هر نظام صرفاً به دلیل مناسباتشان با یکدیگر معنی دارند وظیفه شاعر کشف مداوم است؛ او معمولاً درصد یافتن واژه‌هایی است که به خاطر قرابت پنهانی‌ای که با یکدیگر دارند وقتی کنار هم می‌نشینند معنای شگفت می‌آفرینند تمام توسعاعات زبان که قلمرو انواع مجاز (صور گوناگون استعاره، کنایه و...) است از همین اصول پیروی می‌کند. اصولاً مجاز در مفهوم وسیع آن به هر نوع سخن اطلاق می‌شود که به نحوی غیر از روش معمولی و متداول گفته شود. استفاده از مجاز اغلب مؤثرتر از استفاده از زبان معمولی برای بیان مطالب مورد نظر ماست. علت این تأثیرگذاری در این است که اولاً مجاز به ما لذت تخیلی می‌بخشد زیرا ذهن از مشاهده شباهت بین چیزهای که در واقع شبیه هم نیستند لذت می‌برد ثانیاً استفاده از مجاز راهی است برای وارد کردن تخیل بیشتر به شعر، به منظور تبدیل امور انتزاعی به عینی

#### 7-- نظم‌شکنی گویشی

اگر شاعر نظم زبان معیار را با استفاده از ساخته‌هایی از گویش بومی و محلی بشکند چنین انحرافی را نظم‌شکنی گویشی می‌نامیم.

...زیر شماله می‌گذرد ده

جدار راه چیده.....

<نیما>

<شماله> در گویش مازندرانی چوبی است برای افروختن آتش

دیدم که: زلزله

<سرکنگی> ترا

تقلید می‌کند

<محمدعلی بهمنی>

سرکنگی = شانه لرزانی، حرکتی آئینی و زیبا در رقص مردم جنوب

#### 8-- نظم‌شکنی نوشتاری

گاه شاعر با نوشتن اشعارش به شکلی خاص نوعی ریتم بصری ایجاد می‌کند به عبارت دیگر، شاعر تغییری در تلفظ واژه به وجود نمی‌آورد. بلکه مفهومی ثانوی بر مفهوم اصلی واژه می‌افزاید.

رفتم

در انتهای جاده نگاهی کردم

او بود

از روی نرده

خم شده

روی

ر

و

د

## &lt;حمید مصدق&gt;

شاعر واژه‌ای <رود> را چنان نوشته است که وضع خم شدن <او> را روی رود نشان دهد. در نمونه زیر 14 شاعر پرسش‌های ذهنی خود را در نوشتار به شکل علامت سؤال نشان داده است.  
O خواب‌های من کجاست؟! ای هنوز گمشده، ای هنوز مانده در آستانه زمین، خواب‌های من کجاست؟!

## پانویس:

- 1-- کلیات سبک‌شناسی، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس چاپ اول 1372 ص 60
- 2-- از زبان‌شناسی به ادبیات دکتر کورش صفوی انتشارات چشمه چاپ 1373 ص 43
- 3-- موسیقی شعر، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی انتشارات توس چاپ 1358 ص 15
- 4-- همان منبع ص 20
- 5-- درباره شعر لارنس پیرن ترجمه فاطمه راکعی انتشارات اطلاعات چاپ اول 73 ص 35
- 6-- مفلس کیمیا فروش، دکتر کدکنی انتشارات سخن چاپ اول 1372 ص 219
- 7-- تازیان‌های سلوک نقد و تحلیل قصاد سنایی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی انتشارات آگاه چاپ اول 72 ص 197
- 8-- شعر زمان احمد شاملو به کوشش محمد حقوی انتشارات نگاه چاپ دوم 1368 ص 289
- 9-- گنجشک‌ها و گیلان محمد حقوی انتشارات نگاه چاپ اول 1381 ص 69
- 10-- شعر زمان ما گزیده اشعار اخوان ثالث به کوشش محمد حقوی انتشارات نگاه چاپ اول 1370 ص 179
- 11-- باغ تنهایی یادنامه سهراب سپهری به کوشش حمید سیاهیوش انتشارات اسپادانا چاپ اول 1372 ص 36
- 12-- مجموعه اشعار نیما دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی انتشارات صفی‌علیشاه چاپ ششم
- 13-- این خانه واژه‌های نسوزی دارد، مجموعه شعر محمدعلی بهمنی انتشارات دارینوش چاپ اول 1382
- 14-- مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی شماره 64 مقاله دکتر محمدرضا سنگری ص 7

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی